

خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی یک مطالعه‌ی بین‌کشوری

سعید مشیری

دانشیار دانشکده‌ی اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی

smoshiri@mun.ca

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۲/۳ تاریخ پذیرش: ۸۸/۷/۷

چکیده

خصوصی‌سازی باهدف افزایش کارایی و رشد اقتصادی، یکی از مسایل مورد توجه سیاست‌گذاران و اقتصاددانان در دهه‌های اخیر بوده است. هرچند مطالعات نسبتاً زیادی برای ارزیابی تجربی سیاست‌های خصوصی‌سازی در سطح خرد در کشورهای مختلف انجام شده، ولی ادبیات خصوصی‌سازی از دیدگاه اقتصاد کلان آن‌چنان غنی نیست. در این مقاله، اثر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی با استفاده از یک مدل رشد درون‌زای تجربی و با به‌کارگیری از داده‌های ۱۱۷ کشور در حال گذار و در حال توسعه برای دوره‌ی ۱۹۹۸-۲۰۰۳، در سه حالت کوتاه مدت، میان مدت، و بلندمدت برآورد شده است. نتایج برآوردها با روش‌های OLS و 2SLS نشان می‌دهد که اثر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی خنثی است. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهند که سازگاری و تداوم اجرای سیاست خصوصی‌سازی، وجود محیط رقابتی و شفافیت در سیاست‌گذاری‌ها، تأثیری مهم تراز خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی دارند.

طبقه‌بندی JEL: 01, 04

کلید واژه: خصوصی‌سازی، محیط رقابتی، شفافیت سیاست‌گذاری، رشد اقتصادی

۱- مقدمه

در دهه‌های اخیر خصوصی‌سازی توجه بسیاری از پژوهش‌گران و سیاست‌گذاران اقتصادی را به خود جلب کرده است. آن‌ها پدیده‌ی خصوصی‌سازی را از دیدگاه‌های گوناگون اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و اقتصاد نهادها بررسی کرده‌اند. تاکنون بیش‌تر مطالعات مربوط به خصوصی‌سازی و آثار اقتصادی آن در چهارچوب اقتصاد خرد بوده است. در بسیاری از این مطالعات، عملکرد بنگاه‌های خصوصی‌سازی شده، با بنگاه‌های دولتی مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. در ادبیات خصوصی‌سازی مطالعات معدودی به بررسی پی‌آمدهای خصوصی‌سازی از دیدگاه اقتصاد کلان پرداخته‌اند، به عنوان نمونه، مگینسون و نتر^۱ (۲۰۰۱)، در مروری بر ادبیات خصوصی‌سازی، بیش از ۷۰ مقاله را بررسی کرده‌اند، ولی تقریباً هیچ اشاره‌ای به ابعاد کلان خصوصی‌سازی نداشته‌اند. آن‌ها تنها در یک پاراگراف به توسعه‌ی بازار سرمایه (که آثار کلان اقتصادی دارد)، اشاره کرده‌اند. شاید بتوان کم‌توجهی به ابعاد کلان خصوصی‌سازی در ادبیات را ناشی از موارد زیر دانست: تأکید بسیار بر مطالعات با پایه خرد در ادبیات اخیر پژوهش‌های اقتصادی، علاقه به مقایسه‌ی عملکرد بنگاه‌های خصوصی و دولتی، توجه و علاقه‌ی بازارهای سهام به بنگاه‌های خصوصی و در نهایت عدم وجود داده‌های سری زمانی طولانی که بتواند ماهیت بلندمدت اثر خصوصی‌سازی را نمایان کند.

بدیهی است که بین خصوصی‌سازی و عملکرد اقتصاد کلان ارتباطی وجود دارد. برای اثبات وجود چنین رابطه‌ای می‌توان مشاهدات زیر را مد نظر قرار داد: اول، باید توجه کرد که انگیزه‌ی اولیه‌ی خصوصی‌سازی در کشورها مشکلات اقتصاد کلان آن‌ها بود (یاروو^۲، ۱۹۹۸) بروز پدیده‌ی رکود تورمی در دهه‌ی ۱۹۷۰ و عملکرد ضعیف اقتصادی بسیاری از کشورها همراه با کسری بودجه‌های وسیع دولت‌هایشان، شرایطی تقریباً مشابه بحران بزرگ دهه‌ی ۱۹۳۰ را از نظر تحول دیدگاه‌های اقتصادی پیش آورد. در این دوران، نظریه‌های کینزی مبتنی بر لزوم دخالت دولت در اقتصاد با شدت بیش‌تری مورد نقد قرار گرفت و خصوصی‌سازی به عنوان راهکاری برای ارتقای کارایی و رها شدن از بحران اقتصادی، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. دوم، در ادبیات کلاسیک رشد اقتصادی که از دهه‌ی ۱۹۶۰ با کار برجسته‌ی سولو^۳ رونق یافت، جایی برای نقش مستقیم دولت وجود نداشت و در نتیجه اصلاحات اقتصادی مبتنی بر آزادسازی و

1- Megginson and Netter.

2- Yarrow.

3- Solow.

خصوصی سازی به عنوان شرایط لازم رشد بلندمدت اقتصادی مطرح شد. به عنوان مثال، خان و رینهارت^۱ (۱۹۹۰) و خان و کومر^۲ (۱۹۹۷)، در مطالعات مستقلی نشان دادند که کارآیی نهایی سرمایه گذاری خصوصی در کشورهای در حال توسعه، بیش تر از کارآیی نهایی سرمایه گذاری دولتی است. با توجه به نقش کلیدی سرمایه گذاری در رشد اقتصادی در مدل رشد نئوکلاسیک، این دو مطالعه در شکل گیری سیاست های مشوق خصوصی سازی سازمان های بین المللی مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، نقش مهمی داشتند. سوم، عملکرد بنگاه های خصوصی ممکن است تا حد زیادی به شرایط اقتصاد کلان، مانند چرخه های تجاری و سیاست های اقتصاد کلان دولت همان گونه که توسط صندوق بین المللی پول و منتقدینش مانند استیگلیتز^۳ (۲۰۰۲) مطرح شده، بستگی داشته باشد. چهارم، ارزیابی نهایی موفقیت برنامه های خصوصی سازی در نهایت با اثربخشی آنها بر شاخص های کلان اقتصادی مانند سطح اشتغال و رفاه اقتصادی سنجیده می شود.

تاکنون مطالعات بسیاری در زمینه ی عملکرد بنگاه های خصوصی شده با توجه به شاخص هایی مانند سطح تولید، سودآوری و سرمایه گذاری انجام شده است. به عنوان مثال، مگینسون، نش، و ون رندنبورق^۴ (۱۹۹۴)، در مطالعه خود برای کشورهای OECD و بوبکری و کاست^۵ (۱۹۹۸) برای کشورهای در حال توسعه، نشان دادند که تولید بنگاه ها پس از خصوصی شدن به مقدار قابل توجهی افزایش می یابد. با توجه به این که این مطالعات بیش تر بر بنگاه های موفق خصوصی شده تأکید داشته اند، نتایج آنها را به سختی می توان به سطح اقتصاد کلان تعمیم داد. تعداد معدودی از مطالعات به اثر خصوصی سازی در کشورهای در حال توسعه بر رشد اقتصادی آنها پرداخته اند. به عنوان نمونه، پلین^۶ (۱۹۹۷) و بارنه^۷ (۲۰۰۰)، نشان می دهند که خصوصی سازی اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد، اما نتایج کوک و اوچیدا^۸ (۲۰۰۳)، برعکس این مطالعات حاکی از رابطه ی منفی بین خصوصی سازی و رشد اقتصادی است.

1- Khan and Reinhart.

2- Khan and Kumar.

3- Stiglitz.

4- Megginson, Nash, and van Randenborgh.

5- Boubakri and Cosset.

6- Plane.

7- Barnett.

8- Cook and Uchida.

موضوع جالب دیگر در زمینه‌ی خصوصی‌سازی و نقش آن در رشد اقتصادی، مسأله‌ی محیط رقابتی است. ویکر و یارو^۱ (۱۹۸۸)، به اهمیت وجود محیط رقابتی و قانون‌مندی بازار برای ارتقای کارایی بنگاه‌های خصوصی، تأکید کرده‌اند. برخی نیز معتقدند که برای رشد اقتصادی، مسأله‌ی رقابت بسیار مهم‌تر از حق مالکیت است (روترون و چنگ^۲، ۱۹۹۳). دیانکو، مک لیش، و رمالهو^۳ (۲۰۰۶)، اثر محیط رقابتی و تنظیم بازار را بر رشد اقتصادی بررسی کردند و نشان دادند که رابطه‌ی مثبتی بین آن‌ها وجود دارد. در این مطالعه، خصوصی‌سازی در نظر گرفته نشده است.

هدف اولیه، ما در این مقاله، بررسی و برآورد اثر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی در چهارچوب یک مدل رشد اقتصادی است. برای این کار از داده‌های جدید خصوصی‌سازی برای ۱۱۷ کشور جهان در طی دوره‌ی ۲۰۰۳-۱۹۸۸ استفاده می‌شود. هدف دوم بررسی اثر محیط رقابتی و سیاست‌های تنظیم بازار بر رشد اقتصادی و مقایسه آن با اثر خصوصی‌سازی است. سازماندهی بقیه‌ی مقاله به شرح زیر است: در بخش بعدی، مروری کوتاه بر مبانی نظری اثر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی و شواهد تجربی آن در بخش سوم، داده‌ها، روش برآورد و مدل تجربی توضیح داده می‌شود. در بخش چهارم، نتایج برآورد مدل و در بخش پایانی نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۲- مروری بر مبانی نظری و تجربی

اجماع واشنگتن، که مدت‌ها مبنای سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را تشکیل می‌داد، بر سه پایه استوار بود: محدودیت دخالت‌های مالی دولت در اقتصاد، خصوصی‌سازی و آزادسازی بازار.

هدف از اجرای این سه اصل، ایجاد محیط کسب و کار آزاد، که در آن بخش خصوصی نقش محوری در رشد و توسعه‌ی اقتصادی داشته باشد، بود. خصوصی‌سازی در کوتاه مدت منجر به افزایش درآمد دولت ناشی از فروش بنگاه‌های دولتی و در نتیجه کاهش کسری بودجه می‌شود. هم‌چنین در بلندمدت منجر به پیشرفت فن‌آوری، افزایش کارایی و ایجاد و تقویت یک بخش خصوصی قوی می‌شود. بنابراین، انتظار می‌رود که خصوصی‌سازی به‌عنوان یک اصلاح بنیادی اقتصادی رشد بیش‌تر اقتصادی را موجب بشود.

1- Vickers and Yarrow.

2- Rowthorn and Chang.

3- Djankov, McLiesh, and Ramalho.

مجاری اثرگذاری خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی را می‌توان با استفاده از نظریه‌های اقتصاد نهادی نو^۱ و اقتصاد خرد در مورد حق مالکیت، تشریح کرد. بر مبنای نظریه‌ی اقتصاد نهادی نو، مهم‌ترین نهاد یا قانون اقتصادی در جامعه، حق مالکیت است (نورث^۲، ۱۹۹۰) و در بلندمدت، آن سیستم اقتصادی که حق مالکیت را به رسمیت بشناسد، شرایط مناسب رشد و توسعه‌ی اقتصادی را فراهم خواهد کرد. حق مالکیت، شامل حق انحصاری انتخاب منابع، حق انحصاری بر خدمات منابع و حق انحصاری مبادله‌ی منابع با شرایط قابل قبول طرفین است. به اعتقاد نورث، یکی از مشکلات اساسی کشورهای در حال توسعه، وجود نهادهای ناکارآمد شامل سیستم حق مالکیت ضعیف و فقر مقررات قانونی حامی بهره‌وری است. نتیجه‌ی چنین وضعیتی، بالا بودن هزینه‌های مبادلاتی، پایین بودن حجم مبادلات و در نتیجه عملکرد ضعیف اقتصادی است. ایجاد نوآوری‌های فنی، انباشت و گسترش سرمایه که از ملزومات اساسی رشد اقتصادی هستند، نیاز به ساختار حق مالکیت دارند و در غیاب آن، بنگاه‌ها فقط به انجام پروژه‌های کوتاه مدتی روی می‌آورند که نیاز به سرمایه‌ی ثابت کمی داشته باشند. در چنین شرایطی، دولت‌ها وارد عمل شده و اجرای پروژه‌های بزرگ را به‌طور مستقیم به عهده می‌گیرند. خصوصی‌سازی، یکی از اساسی‌ترین اصلاحات اقتصادی است که چنین شرایط نامطلوبی را تغییر داده و یک ساختاری نهادی مناسب برای توسعه‌ی اقتصادی فراهم می‌آورد. البته نورث، به این نکته توجه دارد که خصوصی‌سازی به تنهایی نمی‌تواند معجزه کند و به اهمیت سایر عوامل نیز توجه می‌کند. به هر حال، اقتصاددانان نهادی و سازمان‌های مالی بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، سیاست خصوصی‌سازی را برای انجام اصلاحات اقتصادی کشورها در دهه‌های اخیر به شدت دنبال کرده‌اند.

اصلاحات نهادی مانند خصوصی‌سازی و مقررات زدایی، نه تنها شرایط داخلی اقتصاد را به نفع بخش خصوصی تغییر می‌دهند، بلکه تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی را نیز متأثر می‌کنند. تخصص بین‌المللی و تقسیم بازار کار، به نهادها و مؤسساتی دارد که حق مالکیت در ورای مرزها را به رسمیت شناخته از آن دفاع کند به طوری که مبادله سرمایه و سایر مبادلات با اطمینان از انجام تعهد طرفین انجام شود. خصوصی‌سازی و تغییراتی که به همراه آن ایجاد می‌شود علامت قوی‌ای به سرمایه‌گذاران خارجی می‌دهد که اقتصاد به طور جدی در حال تغییر مسیر به سمت

1- New Institutional Economics.

2- North.

نظام بازار است و امکان برگشت آن در کوتاه مدت وجود ندارد. بنابراین، خصوصی‌سازی همراه با مقررات زدایی و سایر تغییرات نهادی و قانونی، ممکن است موجب کاهش ناطمینانی شده و محیط مناسبی برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و هم‌چنین برای رشد اقتصادی فراهم آورد.

سیاست خصوصی‌سازی را می‌توان با استفاده از مباحث مربوط به مالکیت خصوصی و تخصیص منابع از طریق بازار در اقتصاد خرد نیز توجیه کرد. اول، طبق نظریه‌ی نئوکلاسیکی، مالکیت عمومی منجر به اتلاف و نابودی منابع می‌شود. این موضوع با مثال‌های معروف مربوط به استفاده‌ی افراطی از چراگاه‌های مشترک و یا ماهی‌گیری‌های بی‌رویه در آب‌های عمومی، نشان داده شده است. نظریه‌ی بازی‌ها به زیبایی نشان می‌دهد که رفتار افراد یا بنگاه‌ها در استفاده از منابع در دو حالت مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی به شدت متفاوت است، به طوری که در حالت اول حفظ و رشد منابع و در حالت دوم برداشت سریع که آن را نابود می‌کند، مشاهده می‌شود. دوم، با توجه به سهولت نقل و انتقال اطلاعات در بخش خصوصی، تصمیم‌گیری در بخش خصوصی کارآتر انجام می‌گیرد (هایک^۱، ۱۹۴۹). سوم، بر اساس نظریه‌ی مدعی باقیمانده^۲، مالکیت خصوصی، با به رسمیت شناختن حق ادعای باقیمانده (مازاد)، موجب ایجاد انگیزه‌ی حداکثرسازی سود می‌شود. چنین شرایطی در نظام مالکیت عمومی وجود ندارد (آلچیان و دمستز^۳، ۱۹۷۲). هم‌چنین مشکل رئیس و مرئوس^۴ در بنگاه‌های بخش خصوصی کم‌تر از بنگاه‌های دولتی به وجود می‌آید (جنسن و مک‌لینگ^۵، ۱۹۷۶)، زیرا بنگاه‌های خصوصی با طراحی مکانیزم‌های تشویقی، سعی در ایجاد هماهنگی بین انگیزه‌های رئیس و مرئوسین دارند، در حالی که اجرای چنین مکانیزم‌هایی در بخش دولتی، به دلیل عدم انعطاف‌پذیری و وجود سلسله مراتب از بالا به پایین، کم‌تر امکان‌پذیر است.

رابطه‌ی خصوصی‌سازی و رشد ممکن است تحت تأثیر یک عامل سوم مثل رقابت، باشد. به عبارت دیگر، کارایی بنگاه‌های خصوصی به وجود ساختار بازار رقابتی که در آن ورود و خروج بنگاه‌ها آزاد است، بستگی دارد. هرچند که اهمیت نسبی مالکیت و

1- Hayek.

2- Residual claimant.

3- Alchian and Demsetz.

4- Principal and agent.

5- Jensen and Meckling.

رقابت قابل بحث است، ولی رقابت به عنوان یک شرط ضروری برای عملکرد بنگاه‌های خصوصی شده، به شمار می‌رود (ویکرز و یارو، ۱۹۸۸).

برخی نیز اهمیت نوع مالکیت در کارآیی را مورد سؤال قرار داده‌اند. به عنوان نمونه، روتن و چنگ (۱۹۹۳)، استحکام نظریه‌های خرد در توجیه خصوصی‌سازی را زیر سؤال برده و بر اهمیت اقتصاد سیاسی تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند که دولت‌هایی که بتوانند خودشان را از فشار رقابتی ناشی از بنگاه‌های خصوصی و عمومی دور نگه دارند ممکن است بتوانند محیط رقابتی‌ای ایجاد کنند که در آن هر دو نوع مالکیت نتایج کارآیی داشته باشند. ویلنر^۱ (۲۰۰۳) نیز، جریان بین‌المللی‌ای که برای محدود کردن مالکیت عمومی ایجاد شده است را از بعد نظری و تجربی به چالش می‌کشد. وی با بررسی شرکت‌های تولید برق در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، نتیجه می‌گیرد که کارآیی هزینه در بنگاه‌های دولتی نه بهتر و نه بدتر از شرکت‌های خصوصی است. علاوه بر این، ویلنر، با استناد به مباحث سازماندهی صنعتی ادعا می‌کند که وجود رقابت نیز منجر به موفقیت خصوصی‌سازی نمی‌شود. وی هم‌چنین به مطالعه‌ی فلاور و ریچارد^۲ (۱۹۹۵) اشاره می‌کند که در آن رابطه‌ی بین اندازه‌ی بخش بنگاه‌های عمومی و رشد اقتصادی در کشورهای OECD، به جای منفی بودن، مثبت است. در مجموع می‌توان گفت که منتقدان خصوصی‌سازی معتقدند که دلایل سنتی‌ای که به نفع مالکیت عمومی وجود دارند، یعنی آثار خارجی، انحصار طبیعی، و نبود سرمایه خصوصی، هم‌چنان از اهمیت برخوردارند و بنابراین نباید آن‌ها را به سادگی کنار گذاشت.

این مرور خلاصه بر ابعاد نظری خصوصی‌سازی و ارتباط آن با کارآیی و رشد اقتصادی نشان می‌دهد که نمی‌توان به یک جمع‌بندی سازگار در این مورد دست یافت. این نظریه‌های گوناگون را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد: خصوصی‌سازی منجر به کارآیی می‌شود، خصوصی‌سازی تنها اگر با شرایط رقابتی همراه باشد، منجر به کارآیی می‌شود، شرایط رقابتی صرف نظر از ساختار مالکیت، برای کارایی کفایت می‌کند، و خصوصی‌سازی و هیچ‌کدام رقابت برای رشد ضروری نیستند. با توجه به تفاوت و در برخی موارد تناقض نظریه‌ها، باید دید کارهای تجربی در این زمینه چیست.

1- Willner.

2- Fowler and Richards.

کارهای تجربی در زمینه‌ی خصوصی‌سازی، با توجه به روش‌های مختلف اندازه‌گیری متغیرها، دوره‌های زمانی و نمونه‌های متفاوت و روش‌های آماری به کار گرفته شده‌ی متنوع، از پیچیدگی‌های خاص خود برخوردارند. مشکل دیگر در کارهای تجربی، ضرورت توجه به ماهیت بلندمدت اثر خصوصی‌سازی به عنوان یک تغییر نهادی، بر اقتصاد کلان است. متأسفانه تاکنون داده‌های سری زمانی طولانی مدت در دسترس نبوده‌اند و در نتیجه مطالعات زیادی در این مورد انجام نشده است. با توجه به این نکته نتایج مطالعات انجام شده در این زمینه را نیز باید با احتیاط تفسیر کرد. در میان کارهای تجربی، فقط مطالعه‌ی کوک و اوچیدا (۲۰۰۳)، به‌طور خاص به اثر خصوصی‌سازی بر رشد پرداخته است. هرچند طبق نتایج این مطالعه، خصوصی‌سازی اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته است، ولی نویسندگان بر این باورند که در صورت همراهی خصوصی‌سازی با محیط رقابتی، اثر مثبت آن بر رشد نمایان خواهد شد. البته در این مطالعه شاخصی برای محیط رقابتی معرفی نشده است. در مطالعه‌ی دیگری که توسط یانکو، مک لیش، و رامالو^۱ (۲۰۰۶) انجام گرفته، اثر تنظیم بازار و مقررات بر رشد بررسی شده است. در کارهای دیگری نیز اثر خصوصی‌سازی بر سایر متغیرهای اقتصادی کلان مانند کسری بودجه‌ی دولت (پین هیرو و اشنايدر^۲، ۱۹۹۵، و دیویس و همکاران^۳، ۲۰۰۰) و سرمایه‌گذاری (عبدو و مشیری^۴، ۲۰۰۹)، مطالعه شده است.

مطالعه‌ی حاضر از سه نظر با سایر مطالعات تفاوت دارد، اول، هر دو متغیر خصوصی‌سازی و رقابت و تنظیم بازار در یک مدل رشد تجربی درون زا وارد شده‌اند. دوم، داده‌های خصوصی‌سازی در این مطالعه نسبتاً جدید و شامل دوره‌ی زمانی طولانی‌تر (۲۰۰۳-۱۹۸۸) و کشورهای بیش‌تر (۱۱۷ کشور) هستند. سوم، داده‌های زمانی طولانی‌تر و کشورهای بیش‌تر، امکان برآورد اثر بلندمدت خصوصی‌سازی و تفاوت‌های احتمالی در رابطه‌ی بین خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی در کشورها و مناطق مختلف را فراهم می‌کنند. در این مطالعه دوره‌ی زمانی به دوره‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت و مناطق جهان نیز به افریقا، آسیای شرقی، آسیای جنوبی، خاورمیانه، آمریکای لاتین و اروپای شرقی (در حال گذار) تقسیم شده‌اند.

1- Djankov, McLiesh, and Ramalho.

2- Pinheiro and Schneider.

3- Davis et al.

4- Abdou and Moshiri.

۳- مدل تجربی

در بیش تر مطالعات مربوط به رشد اقتصادی، رشد تولید ناخالص داخلی، به صورت تابعی خطی از مجموعه‌ای از متغیرهای کلان مانند سرمایه‌گذاری، تورم، نرخ رشد جمعیت و یک سری متغیرهای خاص نهادی و سیاستی نشان داده می‌شود. به عنوان مثال، کوک و اوچیدا (۲۰۰۳)، در مطالعه‌ی خصوصی‌سازی خود، تولید سرانه را به صورت تابعی از "متغیرهای برو"^۱، متغیرهای سیاستی و متغیر خصوصی‌سازی مطرح می‌کنند. متغیرهای برو (Barro)، شامل تولید ناخالص داخلی اولیه، امید به زندگی، نرخ رشد جمعیت، نرخ سرمایه‌گذاری و نرخ ثبت نام دانش آموزان متوسطه هستند. متغیرهای سیاستی، شامل نسبت تجارت خارجی به GDP نسبت بدهی خارجی به GDP، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به GDP، و تورم هستند. هم چنین در مطالعه‌ی پلین (۱۹۹۷)، نرخ رشد GDP به صورت تابعی از تورم، نرخ ارز واقعی، رابطه‌ی تجاری و تعاریف مختلفی از خصوصی‌سازی و بدون در نظر گرفتن متغیرهای برو تعریف شده است. در این مقاله، مدل تجربی رشد به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$GY = \alpha + \delta X + \beta I + \varepsilon$$

که در آن GY ، رشد سالانه‌ی تولید ناخالص داخلی حقیقی و X مجموعه متغیرهای کنترل شامل نرخ سرمایه‌گذاری، نسبت بدهی خارجی به GDP، تورم، نسبت FDI به GDP و رابطه‌ی تجاری و I مجموعه متغیرهای نهادی شامل خصوصی‌سازی و شاخص‌های رقابتی است. ε نیز جمله‌ی خطای معادله‌ی رگرسیون با ویژگی‌های استاندارد است. برای کنترل کردن اثر تغییرات منطقه‌ای، کشورهای نمونه طبق تقسیم بندی بانک جهانی به شش منطقه به شرح زیر تقسیم شده‌اند: آسیای شرقی و پاسیفیک، اروپا و آسیای مرکزی یا اقتصادهای نوظهور، آمریکای لاتین و کارائیب، خاورمیانه و شمال آفریقا، آسیای جنوبی، و آفریقا. اثر این مناطق، با تعریف متغیرهای مجازی برای عدد ثابت و شیب در رگرسیون کنترل می‌شود. دوره‌ی زمانی نیز به سه دوره‌ی مجزا تقسیم می‌شود: دوره‌ی کوتاه مدت، که یک سال است، دوره‌ی میان مدت، که ۴ سال است و دوره‌ی بلندمدت که شامل ۱۶ سالی است و داده‌های آن‌ها قابل مشاهده‌اند. معادله‌ی رگرسیون کوتاه مدت از داده‌های سالانه به صورت یک پانل استفاده می‌کند. در این معادله، خصوصی‌سازی به صورت نسبت درآمد سالانه‌ی ناشی از واگذاری

۱- این متغیرها از این جهت متغیرهای برو (Barro) نامیده شده‌اند که ابتدا توسط برو در یک مدل رشد تجربی به کار گرفته شدند.

بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی به GDP همان سال تعریف شده است. در معادله‌ی رگرسیون میان مدت، هدف این است که تأثیر نوسانات سالانه و کوتاه مدت در برآورد ضرایب کاهش یابد. بنابراین، متغیرها به صورت متوسط چهارساله و خصوصی‌سازی به صورت نسبت درآمد انباشته شده در طول چهارسال به متوسط GDP در آن چهارسال تعریف شده‌اند. و بالاخره در معادله‌ی رگرسیون بلندمدت، هدف ما بررسی ارتباط بلندمدت بین خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی، بدون در نظر گرفتن نوسانات کوتاه و میان مدت است. بنابراین در این معادله، خصوصی‌سازی به صورت نسبت درآمد انباشته شده در طول دوره، به متوسط GDP در کل دوره و سایر متغیرها نیز به صورت متوسط کل دوره تعریف شده‌اند. بنابراین، سازمان‌دهی داده‌ها در دو حالت کوتاه مدت و میان‌مدت، به صورت داده‌های پانل و در حالت بلندمدت به صورت داده‌های مقطعی است.

سیاست‌های اقتصادی، به ویژه آن‌هایی که به متغیرهای نهادی مانند خصوصی‌سازی مربوط می‌شوند، هنگامی می‌توانند مفید باشند که به طور سازگار و پیوسته دنبال شده باشند، بنابراین اگر کشوری سیاست خصوصی‌سازی را به صورت متزلزل و ناسازگار اجرا کند، نمی‌تواند به اثرگذاری آن اطمینان داشته باشد. یکی از دلایل شکست سیاست‌های ناسازگار این است که سیاست‌های تغییر نهادی به مثابه‌ی علامتی به سرمایه‌گذاران هستند که از طریق آن‌ها دولت دیدگاه و جهت‌گیری خود مبنی بر چرخش به سمت نظام بازار را اعلام می‌کند. برای این که سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی وارد عمل شوند، نیاز به این است که سیاست‌های اعلام شده باورکردنی باشند و به‌صورت سازگار و پیوسته اجرا شوند. برای در نظر گرفتن چنین عاملی، متغیری به‌نام سازگاری خصوصی‌سازی، ایجاد و به‌صورت وجود درآمد خصوصی‌سازی در هر یک از فاصله‌های زمانی میان‌مدت (چهارسال) تعریف شده است. متغیر سازگاری، به صورت یک متغیر مجازی که مقدار آن در زمان‌هایی که درآمد خصوصی‌سازی در میان‌مدت وجود داشته است، برابر یک و در غیراین‌صورت برابر صفر است، در مدل وارد می‌شود. برای اندازه‌گیری متغیر محیط رقابتی و تنظیم بازار، از سه روش مختلف به شرح زیر استفاده می‌شود:

در روش اول، از داده‌های مربوط به شرایط رقابت محلی که در "گزارش میزان رقابت در جهان"^۱ توسط World Economic Forum منتشر شده است، استفاده می‌شود. این

شاخص که "شدت رقابت محلی"^۱ نام دارد، کشورها را بر اساس نظر مدیران اجرایی در هفت گروه به صورت زیر رتبه‌بندی می‌کند:

رقابت در بازار محلی (۱= در بیش‌تر بخش‌ها محدود است و کاهش قیمت‌ها به ندرت اتفاق می‌افتد، ۷= در بیش‌تر بخش‌ها شدید است و رهبری بازار در طول زمان تغییر می‌کند). در روش دوم، از شاخص دیگری که اطلاعات آن توسط همان منبع قبلی جمع‌آوری شده است استفاده می‌شود. این شاخص شفافیت سیاست‌های دولت در مورد بخش خصوصی را اندازه‌گیری می‌کند و "شفافیت سیاست‌گذاری دولتی"^۲ نام دارد. در این شاخص، رتبه‌بندی کشورها بر اساس پاسخ مدیران اجرایی به این سؤال انجام شده است که آیا بنگاه‌ها در کشور شما معمولاً به صورت روشن و شفاف از سیاست‌های دولت که مربوط به کار شماست آگاه می‌شوند؟ پاسخ‌های به این سؤال در دامنه‌ی "۱= هرگز" تا "۷= همیشه به طور کامل و شفاف"، رتبه‌بندی می‌شوند. در حالت سوم، شاخصی برای تنظیم فعالیت تجاری با استفاده از داده‌های بانک جهانی تعریف می‌شود. این داده‌ها شامل ۱۶ متغیرند که در قالب ۷ گروه به شرح زیر تقسیم‌بندی شده‌اند. گروه‌ها عبارتند از: شروع کسب و کار، استخدام و اخراج، ثبت مالکیت، کسب اعتبار، حمایت سرمایه‌گذاران، ضمانت اجرایی قراردادهای و پایان دادن به کسب و کار. با توجه به محدودیت داده‌ها به صورت سری زمانی، در این جا شاخصی که تمرکز آن بر "شروع کسب و کار" است تعریف می‌شود. شاخص شروع کسب و کار خود بر شرایط ورود به بازار تمرکز دارد و شامل چهار گروه زیر است:

مراحل ورود، طول زمانی ورود (به روز)، هزینه‌ی ورود و حداقل سرمایه‌ی ورود. در این جا شاخصی به نام "سهولت ورود به کسب و کار" که میانگین نرمال شده‌ی رتبه‌ی کشورها در هر یک از چهار گروه "شروع کسب و کار" است تعریف می‌شود که بین صفر و یک قرار دارد و مقادیر بالاتر نشان دهنده‌ی سهولت بیش‌تر ورود به کسب و کار است. داده‌های خصوصی‌سازی که به صورت درآمدهای دولت ناشی از فروش بنگاه‌های دولتی تعریف شده است از بانک داده‌های خصوصی‌سازی بانک جهانی به‌دست آمده‌اند. داده‌های شدت رقابت و شفافیت سیاست‌گذاری دولت از گزارش توسعه‌ی جهانی^۳ (۲۰۰۵) و داده‌های شروع کسب و کار نیز از بانک داده‌های doing business بانک

1- Intensity of Local Competition.

2- Transparency of Government Policy Making.

3- World Development Report.

جهانی استخراج شده‌اند. بقیه‌ی داده‌های متغیرهای مورد استفاده در مدل از شاخص‌های توسعه‌ی جهانی بانک جهانی^۱ گرفته شده‌اند. یکی از مشکلات مدل‌های رشد تجربی، امکان درون‌زا بودن متغیرهای مورد استفاده در مدل است که ممکن است نتایج برآورد ضرایب را تورش دار کند. ما برای پرهیز از تورش در برآورد ضرایب، از روش حداقل مربعات دومرحله‌ای (2SLS) و متغیرهای ابزاری استفاده می‌کنیم. این روش برای برآورد معادله‌های رگرسیونی که از داده‌های سالانه و میانگین چهارسال استفاده می‌کند، به کار گرفته شده است. متغیرهای ابزاری مورد استفاده نیز وقفه‌ی متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی هستند. هر دو مدل کوتاه‌مدت و میان‌مدت که از داده‌های پانل استفاده می‌کنند، با روش اثر تصادفی برآورد شده‌اند. برای برآورد مدل بلندمدت که از داده‌های مقطعی استفاده می‌کند، از روش حداقل مربعات معمولی استفاده و مشکل واریانس ناهمسانی آن را با روش وایت (White) برطرف می‌کنیم.

۴- نتایج برآورد مدل

نتایج برآورد معادله‌های رگرسیون مدل رشد در جداول ۱ و ۲ ارائه شده‌اند. نتایج جدول ۱، مربوط به معادله‌های رگرسیون با داده‌های پانل با دو حالت داده‌های سالانه و داده‌های میانگین چهارساله است. نتایج برآوردها با هر دو روش LS و 2SLS، برای مقایسه گزارش شده‌اند. ستون‌های اول و سوم، نتایج برآورد مدل با داده‌های سالانه و چهار سال با روش LS و ستون‌های سوم و چهارم، نتایج برآورد مدل با داده‌های سالانه و چهارسال با روش 2SLS را نشان می‌دهند. همان‌گونه که نتایج گزارش شده در این جدول نشان می‌دهند، متغیرهای سرمایه‌گذاری، بدهی خارجی و تورم، علایم مورد انتظار را داشته و در سطوح اعتماد قابل قبول مختلف معنادار هستند، اما متغیر مورد نظر ما در این مقاله، یعنی خصوصی‌سازی، در هیچ یک از این معادله‌ها اثر معناداری بر رشد نشان نمی‌دهد. هم‌چنین، هیچ یک از متغیرهای مجازی متقاطع که برای کنترل تغییر شیب احتمالی در مدل وارد شده‌اند نیز معنادار نیستند. بنابراین، به نظر می‌رسد که خصوصی‌سازی در کوتاه مدت و میان مدت، اثر معناداری بر رشد در کشورهای در حال توسعه نداشته است.

1- World Development Indicators.

جدول ۱ - نتایج برآورد معادله‌ی رگرسیون رشد در کوتاه و میان مدت (۱۹۸۸-۲۰۰۳)

	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)
سرمایه گذاری	۰,۳۷* (۰,۰۹)	-۰,۰۸ (۰,۰۹)	۰,۱۷* (۰,۰۴)	۰,۱۴** (۰,۰۶)
بدهی خارجی	-۰,۱۶*** (۰,۱۰)	-۰,۱۱ (۰,۱۵)	-۰,۰۴ (۰,۰۶)	-۰,۲۳*** (۰,۱۳)
تورم	-۰,۰۰۲** (۰,۰۰۰۶)	۰,۰۰ (۰,۰۰)	-۰,۰۰۰۸*** (۰,۰۰۰۴)	-۰,۰۰ (۰,۰۰)
رابطه‌ی مبادله	...	۰,۰۰ (۰,۰۱)	۰,۰۲۵** (۰,۰۰۹)	۰,۰۴** (۰,۰۲)
سرمایه گذاری مستقیم خارجی	-۰,۰۰۸ (۰,۱۱)	۰,۱۳ (۰,۳۰)	-۰,۰۰۳ (۰,۰۸)	۰,۱۶ (۰,۱۷)
خصوصی سازی در کشورهای				
در حال گذار	۰,۱۱ (۰,۲۴)	-۰,۳۶ (۰,۴۸)	۰,۱۷ (۰,۱۹)	-۰,۳۳ (۰,۴۹)
آفریقا	۰,۲۳ (۰,۲۸)	-۰,۰۳ (۰,۴۱)	۰,۰۸ (۰,۱۰)	۰,۰۹ (۰,۱۶)
خاورمیانه و شمال آفریقا	۱,۰۸ (۲,۵۵)	-۰,۶۷ (۰,۶۶)	۰,۱۶ (۰,۲۳)	-۰,۱۴ (۰,۳۱)
آمریکای لاتین و کارائیب	۰,۰۲ (۰,۲۲)	۰,۱۰ (۰,۳۹)	۰,۰۵ (۰,۱۱)	۰,۲۷ (۰,۲۲)
آسیای جنوب شرقی	۰,۶۹ (۳,۰۳)	-۰,۰۶ (۰,۷۰)	۰,۰۹ (۰,۲۶)	۰,۸۹ (۰,۵۸)
آسیای جنوبی	۴,۴۹ (۳۰,۸)	۰,۹۴ (۵,۱۳)	۰,۱۲۴ (۰,۷۷)	۱,۴۳ (۱,۴۸)
R ² تعدیل شده	۰,۲۹	۰,۱۲	۰,۲۵	۰,۱۷
مجموع مجزورات خطا	۳,۵۴	۳,۶۶	۲,۶۲	۲,۶۲

متغیر وابسته رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی است. ستون‌های اول و دوم، داده‌های سالانه و ستون‌های سوم و چهارم داده‌های متوسط چهارساله و ارقام داخل پرانتز انحراف معیار ضرایب هستند. برآورد ستون‌های اول و سوم با روش LS و ستون‌های دوم و چهارم با 2SLS و متغیرهای ابزاری انجام شده است. علامت *، به معنی معنادار بودن ضریب در سطح ۱ درصد، **، در سطح ۵ درصد و *** در سطح ۱۰ درصد است. ضرایب مناطق، از مجموع ضرایب متغیر خصوصی سازی و متغیر مجازی متقاطع (مناطق و خصوصی سازی) به دست آمده‌اند. متغیرهای مجازی مناطق نیز در رگرسیون وارد شده‌اند، ولی نتایج آن‌ها در این جا گزارش نشده است.

جدول ۲، نتایج برآورد معادله‌ی رگرسیون با داده‌های مقطعی را نشان می‌دهد. این معادله، اثر تغییرات نهادی بر رشد کشورهای در حال توسعه در بلندمدت در دوره‌ی ۲۰۰۳-۱۹۸۸ را نشان می‌دهد. همان گونه که در بخش قبلی اشاره شد، داده‌های مقطعی که به صورت متوسط دوره تعریف شده‌اند با توجه به این که فارغ از نوسانات

کوتاه‌مدت هستند شاید بهتر بتوانند اثر بلندمدت خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی را نمایان کنند. ستون ۱ در جدول ۲، نتایج برآورد مدل با متغیر خصوصی‌سازی را نشان می‌دهد. به طور کلی می‌توان گفت که این نتایج با نتایج مدل‌های رشد سازگارند. به طور مشخص، سرمایه‌گذاری علامت مورد انتظار مثبت داشته و از نظر آماری معنادار است. بدهی خارجی و تورم علائم مورد انتظار منفی داشته و از نظر آماری معنادار هستند. علامت منفی و معنادار متغیر تولید سرانه‌ی اولیه (PCY1988)، حاکی از هم‌گرایی شرطی بین کشورهای در حال توسعه است. ضریب خصوصی‌سازی در کشورهای در حال گذار، منفی و در بقیه‌ی کشورها مثبت برآورد شده است. اما در هیچ یک از موارد از نظر آماری معنادار نیست. ضرایب متغیرهای مجازی مناطق نشان می‌دهند که رشد اقتصادی کشورهای در حال گذار، آفریقا، آمریکای لاتین و کارائیب، ضعیف‌تر از متوسط، کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، در حد متوسط و کشورهای آسیای شرقی بهتر از متوسط بوده است. در ستون ۲، نتایج رگرسیون را هنگامی که متغیر سازگاری خصوصی‌سازی وارد مدل می‌شود، نشان می‌دهد. به طور کلی تغییر زیادی در ضرایب برآورد شده مشاهده نمی‌شود، اما ضریب متغیر سازگاری مثبت و از نظر آماری معنادار است. به نظر می‌رسد علامتی که سازگاری سیاست خصوصی‌سازی به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی می‌دهد، در بلندمدت مهم‌تر از خود خصوصی‌سازی باشد. در ستون ۳، نتایج معادله‌ی رگرسیون وقتی که متغیر رقابت وارد مدل می‌شود، نشان داده شده است. در این حالت، علاوه بر این که ضریب رقابت مثبت و معنادار است، اثر سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی دو برابر حالت قبل و قدرت توضیح‌دهندگی مدل تا حد زیادی (۱۶ درصد) افزایش یافته است. در ستون ۴، نتایج برآورد ضرایب معادله‌ی رگرسیون هنگامی که متغیر شفافیت (میزان اطلاعات رسانی سیاست‌گذاران از تغییر سیاست‌ها) در مدل آمده، گزارش شده است. ضریب متغیر شفافیت نیز مانند ضریب متغیر رقابت، مثبت و از نظر آماری معنادار است. نتایج برآورد بقیه‌ی ضرایب در این ستون بسیار مشابه نتایج گزارش شده در ستون ۳ است. براساس این نتایج، در مجموع می‌توان گفت که هرچند خصوصی‌سازی اثر معنی‌داری بر رشد کشورهای مختلف در حال توسعه نداشته، ولی محیط رقابتی و شفافیت در سیاست‌گذاری اهمیت زیادی در رشد اقتصادی این کشورها داشته‌اند.

جدول ۲ - نتایج برآورد ضرایب مدل رشد در بلندمدت (۱۹۸۸-۲۰۰۳)

(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
۰,۱۶* (۰,۰۴)	۰,۱۷* (۰,۰۴)	۰,۰۸** (۰,۰۴)	۰,۰۹** (۰,۰۴)	سرمایه‌گذاری
-۰,۱۴** (۰,۰۸)	-۰,۱۲ (۰,۰۹)	-۰,۱۴** (۰,۰۷)	-۰,۱۳** (۰,۰۷)	بدهی خارجی
-۰,۰۰۱* (۰,۰۰۰)	۰,۰۰۱* (۰,۰۰۰)	-۰,۰۰۱* (۰,۰۰۰)	-۰,۰۰۱* (۰,۰۰۰)	تورم
۰,۰۱۷ (۰,۰۱۴)	۰,۰۲ (۰,۰۱۳)	۰,۰۱۴ (۰,۰۱۲)	۰,۰۱۴ (۰,۰۱۳)	رابطه‌ی مبادله
۰,۳۴* (۰,۱۰)	۰,۳۶* (۰,۱۰)	۰,۱۵ (۰,۱۱)	۰,۱۵ (۰,۱۳)	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
-۰,۲۶** (۰,۱۸)	-۰,۳۴** (۰,۱۸)	-۰,۲۹** (۰,۱۸)	-۰,۲۸** (۰,۱۹)	تولید ناخالص اولیه (۱۹۸۸)
	۰,۶۲** (۰,۳۱)			رقابت
۰,۶۷* (۰,۳۱)		شفافیت
۰,۲۶ (۰,۳۹)	۰,۴۲ (۰,۳۷)	۱,۱۷* (۰,۴۱)	...	سازگاری خصوصی‌سازی
				خصوصی‌سازی در کشورهای
-۰,۰۰۵ (۰,۰۶)	-۰,۲۷ (۰,۱۲)	-۰,۰۷ (۰,۰۷)	-۰,۱۱ (۰,۱۰)	درحال گذار
-۰,۰۰۴ (۰,۰۶)	-۰,۰۳ (۰,۰۶)	۰,۰۰۱ (۰,۰۳)	۰,۰۰۱ (۰,۰۵)	آفریقا
۰,۰۰۱ (۰,۰۴)	-۰,۰۰۱ (۰,۰۵)	۰,۰۰۲ (۰,۰۲)	۰,۰۰۷ (۰,۳۲)	خاورمیانه و شمال آفریقا
۰,۰۰۶ (۰,۰۶)	۰,۰۰۴ (۰,۰۶)	۰,۰۰۳ (۰,۰۲)	۰,۰۰۶ (۰,۰۶)	آمریکای لاتین و کارائیب
-۰,۰۰۵ (۰,۱۰)	-۰,۰۰۱ (۰,۱)	۰,۰۰۸ (۰,۰۴)	۰,۰۰۷ (۰,۷۸)	آسیای جنوب شرقی
-۰,۰۰۳ (۰,۱۸)	۰,۰۰۲ (۰,۱۸)	-۰,۰۰۸ (۰,۱۵)	۰,۰۰۷ (۰,۱۸)	آسیای جنوبی
۰,۶۶	۰,۶۴	۰,۴۸	۰,۴۵	R ² تعدیل شده
۱,۱۰	۱,۱۲	۱,۳۶	۱,۴۱	مجموع مجذورات خطا

متغیر وابسته رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی است. ارقام داخل پرانتز انحراف معیار ضرایب که با روش واریانس ناهمسانی وایت تصحیح شده‌اند، هستند. علامت *، به معنی معنادار بودن ضریب در سطح ۱ درصد، **، در سطح ۵ درصد، و ***، در سطح ۱۰ درصد است. ضرایب مناطق، از مجموع ضرایب متغیر خصوصی‌سازی و متغیر مجازی متقاطع (مناطق و خصوصی‌سازی) به دست آمده‌اند. متغیرهای مجازی مناطق نیز در رگرسیون وارد شده‌اند ولی نتایج آن‌ها در این جا گزارش نشده‌اند.

۵- نتیجه‌گیری

این مقاله اثر سیاست‌های خصوصی‌سازی و تنظیم بازار بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه را بررسی می‌کند. چهارچوبی که در این بررسی به کار رفته، یک مدل رشد درون‌زای تجربی است که علاوه بر سرمایه‌گذاری، شامل متغیرهای سیاستی و نهادی نیز هست. این مدل به دنبال پاسخی برای این سؤال است که آیا خصوصی‌سازی به تنهایی می‌تواند موجب افزایش رشد اقتصادی شود؟ به عبارت دیگر، آیا تغییر مالکیت به تنهایی در عملکرد اقتصادی مؤثر است؟ سؤال مهم دیگر، نقش رقابت و سیاست‌های تنظیم بازار در رشد اقتصادی در مقایسه با سیاست خصوصی‌سازی است. برای یافتن پاسخ، معادله‌ی رگرسیون رشد در حالت‌های مختلف با استفاده از داده‌های پانل، شامل مشاهدات ۱۶ ساله از ۱۱۷ کشور در حال توسعه و در حال گذار برآورد شدند. نتایج اصلی این بررسی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- برخلاف مطالعات پلین (۱۹۹۷)، کوک و اوچیدا (۲۰۰۳)، که اثر خصوصی‌سازی بر رشد را به ترتیب مثبت و منفی یافتند، نتیجه‌ی این مطالعه که متکی بر مشاهدات تعداد بیش‌تری از کشورها در دوره‌ی زمانی طولانی‌تر است دلالت بر این دارد که اثر خصوصی‌سازی بر رشد، خنثی است. نتایج این مطالعه نظر روتن و چنگ (۱۹۹۳)، مبنی بر عدم تأثیر شکل مالکیت در کارآیی بنگاه را پشتیبانی می‌کند.

۲- فرضیه‌ی ما مبنی بر این که تداوم و سازگاری سیاست خصوصی‌سازی ممکن است موجب جذب بیش‌تر سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و در نتیجه رشد اقتصادی بیش‌تر شود، با نتایج برآورد معادله‌ی رگرسیون رشد، تأیید می‌شود. این که چرا مقدار خصوصی‌سازی طبق نتیجه‌ی ۱ تأثیری بر رشد ندارد، ولی تداوم و سازگاری آن اثر مثبتی بر رشد خواهد داشت، کاملاً روشن نیست. شاید بتوان نتیجه‌ی ۲ را چنین تفسیر کرد که متغیر مجازی سازگاری، در حقیقت اعتبار، تعهد و اطمینان به تغییر رویکرد بلندمدت سیاست‌گذاران اقتصادی را نشان می‌دهد.

۳- نتیجه‌ی مهم دیگری که با استفاده از برآورد رگرسیون بلندمدت به دست می‌آید، این است که وجود محیط رقابتی و تنظیم مقررات مناسب، اثر مهم‌تر و معنادارتری بر رشد اقتصادی در مقایسه با سیاست خصوصی‌سازی دارد. این نتیجه‌گیری با نظر کوک و اوچیدا در مورد اهمیت محیط رقابتی در بحث خصوصی‌سازی سازگاری دارد، ولی نتایج ما برخلاف مطالعه‌ی آن‌ها حاکی از آن است که به طور کلی خصوصی‌سازی اثری بر رشد نداشته است.

نتایج به دست آمده در این مقاله می‌توانند دلالت‌هایی در هر دو زمینه‌ی نظری و کاربردی داشته باشند. از بعد نظری، نتایج این بررسی، نظریه‌ی نئوکلاسیک‌ها مبنی بر اثر مثبت سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی را تأیید می‌کند، ولی با نظریه‌ی اقتصاد نهاد‌گرای نو، مبنی بر اهمیت ساختار مالکیت خصوصی بر کارایی و رشد اقتصادی، سازگاری ندارد. از سوی دیگر، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که وجود محیط رقابتی و تنظیم بازار مناسب، برای رشد اقتصادی مفید است. نتیجه‌ی سیاستی‌ای که از این نتایج می‌توان گرفت این است که سیاست‌گذاران باید در کنار برنامه‌های خصوصی‌سازی، اهمیت ویژه‌ای برای ایجاد محیط رقابتی و تنظیم بازار قائل شوند، تا از نتایج مثبت خصوصی‌سازی برای رشد اقتصادی بهره‌مند شوند.

مقاله‌ی حاضر را می‌توان از چند نظر کامل ترکرد. اول، هرچند ما متغیرهای اصلی که در مدل‌های رشد تجربی استفاده می‌شوند را در مدل دخالت دادیم، ولی می‌توان متغیرهای توضیحی دیگری که در برخی مدل‌های رشد تجربی استفاده می‌شوند را نیز وارد مدل کرد، تا حساسیت نتایج به آن‌ها مشخص شود. دوم، نمونه‌ی ما شامل ۱۱۷ کشور در حال گذار و توسعه است، ولی می‌توان برخی کشورهای توسعه یافته را نیز برای مقایسه به نمونه اضافه کرد. سوم، ما شاخص‌های خاصی برای اندازه‌گیری محیط رقابتی و تنظیم مقررات بازار تعریف کردیم، ولی می‌توان شاخص‌های دیگری برای این متغیر کیفی مانند نحوه‌ی حکومت^۱ و نوع مدیریت را نیز (در مدل) در نظر گرفت.

فهرست منابع

- 1- Abdou, A. and S. Moshiri (2009) Privatization and capital formation in developing countries: an empirical investigation, *International Review of Applied Economics*, forthcoming.
- 2- Alchian, A. and H. Demsetz (1972) Production, information costs and economic organization. *American Economic Review* 62, 777-95.
- 3- Barnett, S. (2000) Evidence on the fiscal and macroeconomic impact of privatization, *IMF Working Paper*, July, Washington D.C.: IMF.
- 4- Barro, R. (1991) Economic growth in a cross-section of countries, *Quarterly Journal of Economics*, 106(2), pp. 407-43.
- 5- Boubakri, N. and J. Cosset (1998) The financial and operating performance of newly privatized firms: evidence from developing countries, *Journal of Finance*, 53, pp. 1081-110.
- 6- Cook, P. and Y. Uchida (2003) Privatization and economic growth in developing Countries, *Journal of Development Studies*, 39(6), pp. 121-154.

1- Governance.

- 7- Djankov, S., C. McLiesh, R. M. Ramalho (2006) Regulation and growth, *Economics Letters*, 92, pp. 395-401.
- 8- Fowler, P. and D. Richards (1995) Test evidence for the OECD countries, 1965-85: the relationship between the size of the public enterprise sector and economic growth, *International Journal of Social Economics*, 22(3), pp. 11-23.
- 9- Hayek, F. (1949) Economics and knowledge, in F. Hayek, *Individualism and Economic Order*, London: Routledge & Kegan Paul.
- 10- Khan, M. and M. Kumar (1997) Public and private investment and the growth process in developing countries, *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, 59 (1), pp. 69- 88.
- 11- Khan, M., and C. Reinhart (1990) Private investment and economic growth in developing countries, *World Development*, 8, pp. 19-27.
- 12- Megginson, W., R. Nash, and M. van Randenborgh (1994) The financial and operating performance of newly privatized firms: an international empirical analysis, *Journal of Finance*, 49 (2), pp. 403-52.
- 13- Megginson, W. and Netter, J. (2001) From state to market: a survey of empirical studies on privatisation, *Journal of Economic Literature*, 39(2), pp. 321-389.
- 14- North, D. (1990) *Institutions, Institutional Change, and Economic Performance* (New York: Cambridge University Press).
- 15- North, D. (1994) Economic performance through time, *American Economic Review*, 84(3), pp. 359-368.
- 16- Pinheiro, A. and B. Schneider (1995) Fiscal impact of privatization in Latin America, *Journal of Development Studies*, 31(5), 751-85.
- 17- Plane, P. (1997) Privatisation and economic growth: an empirical investigation from a sample of developing market economies, *Applied Economics*, 29(2), pp. 161-178.
- 18- Rowthorn, B. and A. Chang (1993) Public ownership and the theory of the state, in *The Political Economy of Privatization* Clarke, T. and C. Pitelis eds. (London: Routledge).
- 19- Stiglitz, J. (2002) *Globalization and its Discontents* (New York: W.W. Norton and Company).
- 20- Vickers, J. and Yarrow, G. 1988. *Privatization: An Economic Analysis* (Cambridge, MA: MIT Press).
- 21- Yarrow, G. (1998) A theory of privatization, or why bureaucrats are still in business, *World Development*, 27(1), pp. 157-168.
- 22- Willner, J. (2003) Privatization: a sceptical analysis, in D. Parker and D. Saal, *International Handbook on Privatization*, Cheltenham: Edward Elgar
- 23- World Bank (2005a). *World Development Report 2005: Better Investment Climate for Everyone* (New York: World Bank and Oxford University Press).
- 24- World Bank (2005b) *World Development Indicators*. Washington, D.C.